

سید الرحمن
راشد
رحمن



نقد رفتارگرایی: رفتارگرایان تاثیر عوامل اجتماعی بر یادگیری و مفاهیم انتخاب و پذیرش الگورا نادیده می گیرند. یادگیری در محیط اجتماعی اتفاق می افتد.

مشاهده و سرمشق گیریم مفاهیم کلیدی یادگیری هستند. یادگیری مشاهده ای شامل فرایندهای توجه به رفتار الگو، یادداری، تولیدیابازافرینی و انگیزش است

این نظریه یک نظریه رفتاری شناختی و اجتماعی است.

نظریه شناختی اجتماعی بندورا

احساس کارآمدی و توانمندی شرط یادگیری است.

بندورا بین اکتساب و عملکرد تفاوت قائل می شود. در این دیدگاه، عناصر خودتنظیمی، پردازش اطلاعات و سازوکارهای انگیزشی مطرح است.

منظور از خودتنظیمی این است که رفتارها بوسیله معیارهای درونی و واکنشهای خودارزیابی برانگیخته و تنظیم می شود.

یادگیری حاصل موجبیت دوجانبه فرد، موقعیت و رفتار است.

تقویت به عملکرد مربوط می شود.

نقش فرد در یادگیری مشاهده ای شامل سه فرایند مشاهده، اکتساب و پذیرش است.

مفهوم خودتنظیمی

افراد خواهان کنترل رویدادهایی هستند که بر زندگی آنان تاثیر می گذارد. خودتنظیمی فرایندی است که به وسیله آن افراد فعالیت می کنند و رفتار، شناخت و عواطف خود را تقویت می کنند. خودتنظیمی در موقعیتهای یادگیری به انتخابهای افراد وابسته است.

مفهوم یادگیری جانشینی

فرایند یادگیری واکنشهای هیجانی با مشاهده دیگران و بدون هرگونه تماس شخصی با آنها به شرطی شدن جانشینی معروف است.

عوامل موثر بر یادگیری و عملکرد در نظریه بندورا

عوامل اصلی

* توجه

* پردازش اطلاعات

* درک اهمیت یادگیری

* ارزیابی یادگیرنده از صلاحیتها
و قابلیت‌های خود

عوامل فرعی

* رشد یادگیرنده

* قابلیت و موقعیت

* اجتماعی الگو

* نتایج جانشینی

* انتظارات پیامدی

* هدف‌گزینی

* ارزشمندی

* خودکارآمدی

نظریه یادگیری شناختی گشتالت

آغاز جریان نظریه گشتالت: نقد جزئی نگری وونت

بنیانگذاران مکتب گشتالت: مکس ورتایمر، کورت کافکا، ولف گانگ کهلر، کورت لوین

ایده اصلی گشتالت: ادراک ما از اشیا تنها از طریق جمع بندی عناصر تشکیل دهنده آن ایجاد نمی شود و کل هر چیز بیش از اجزا تشکیل دهنده آن است. کل نظامی پویاست که از نظر بنیادی از هر نوع تجمع و پیوستگی تصادفی متفاوت است. مثال سه نقطه

اصل گشتالت: موجبیت در روابط به این معنا که ویژگی بخشها وابسته به ارتباط آنها با مکان نقش و کنش آن بخشها در قالب یک کل است.

روانشناسی گشتالت بر آن است تا به مطالعه چگونگی مشاهده و درک افراد از پیوندهای کلی بپردازد.

یادگیری در روانشناسی گشتالت عبارت است از: بینش حاصل از درک موقعیت یادگیری به عنوان یک کل یکپارچه و آن هم از طریق شف روابط میان اجزای تشکیل دهنده موقعیت یادگیری حاصل می شود.

ویژگی های یادگیری از طریق بینش



- (1) انتقال از مرحله پیش از حل مسئله به مرحله حل مسئله ناگهانی و کامل
- (2) عملکرد حاصل از حل مسئله از راه بینش معمولاً یک عملکرد هموار و خالی از اشتباه است.
- (3) راه حلی که از طریق بینش برای یک مسئله به دست می آید تا زمان قابل توجهی حفظ می گردد.
- (4) راه حل به دست آمده از ی مسئله در مسائل مشابه دیگر به سادگی قابل کار بست است.

کاربردهای آموزشی نظریه گشتالت



- برای کسب بینش که مستلزم درک و فهم مطالب است یادگیرنده نیاز ندارد منطقی عمل کند بلکه باید به طور شناختی اجزای مسئله را بازسازی و مرتب کند تا اینکه راه حل مبتنی بر فهم مسئله را به دست آورد. فهمیدن امور و درک روابط به صورت کل یکپارچه مورد نظر است.
- هدف اصلی آموزش باید ایجاد توانایی درک مطلب در یادگیرندگان باشد نه فشار وارد ساختن بر آنها برای حفظ کردن طوطی وار مطالب

الگوی پردازش اطلاعات در یادگیری (خبرپردازی)

پردازش اطلاعات شامل سه مرحله رمزگردانی یا بازنمایی اطلاعات، ذخیره سازی یا حفظ اطلاعات و بازیابی یا دستیابی به اطلاعات در صورت لزوم است
پیشفرضهای این الگو عبارتند از:

- (1) اطلاعات به صورت گام به گام یا مرحله ای پردازش می شود و از دریافت محرک تا رسیدن به پاسخ ادامه می یابد.
- (2) پردازش اطلاعات در تمام فعالیتهای شناختی مانند دریافت، مرور، تفکر، حل مسئله و فراموشی حضور دارد.
- (3) نظام پردازش اطلاعات نظامی تعاملی است یعنی اطلاعاتی که از قبل در حافظه ذخیره شده است بر ادراک و توجه اثر می گذارد. تجربیات قبلی به آنچه می بینیم جهت می دهد و نیز بر آنچه از قبل می دانیم تاثیر می گذارد.
یادگیری در این دیدگاه نتیجه تعامل یادگیرنده، محرکهای محیطی و اطلاعات یادگرفته شده است.

نظریه آزوبل

در این نظریه ساخت شناختی اساس یادگیری را تشکیل می دهد. ساخت شناختی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات مفاهیم اصول و تعمیمهای سازمان یافته ای که فرد قبلاً در یکی از رشته های دانش آموخته است.

یادگیری معنی دار از راه ایجاد ارتباط بین مطالب تازه و مطالب قبلاً آموخته شده ایجاد می شود. منظور برقراری ارتباط بین مطلب جدید یادگیری و ساخت شناختی است.

این یادگیری مستلزم این است که فراگیر از قبل مفاهیمی را پیشنیاز مفهوم جدید است است آموخته باشد.. جذب شدن مطالب جدید در ساخت شناختی را شمول می نامند.

بر اساس این نظریه مطالب درسی بایستی چنان طرحریزی و ارائه شوند که ابتدا کلیترین جامعترین و انتزاعی ترین مفاهیم و اندیشه ها به صورتی خلاصه معرفی گردند و بعد به دنبال این کلیات به تدریج مطالب فرعی و جزئی تر معرفی شوند.

پیش سازمان دهنده مجموعه ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری است که پیش از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرندگان گذاشته می شود.

مراحل آموزش کلامی (معنادار: 1) ارائه پیش سازماندهنده (2) ارائه تالیف یا مواد آموختنی (3) تقویت سازمان شناختی

انگیزش و یادگیری

رفتارگرایی: انگیزش به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه اشاره دارد. تاکید بر انگیزش بیرونی است

رویکرد اجتماعی-فرهنگی: منبع انگیزشی مهم برای افراد بودن با دیگران و داشتن رابطه دوستانه متقابل با آنان است. نیاز پیوندجویی یا نیاز پیوستگی است.

انگیزش به نیروی ایجادکننده، نگهدارنده و هدایتکننده رفتار گفته می شود. انگیزه به صورت نیاز یا خواست ویژه ای که انگیزش را موجب می شود تعریف شده است.

رویکرد انسانگرایی: توانایی دانش آموزان برای رشد شخصی، آزادی در انتخاب هدفهای زندگی و ویژگیهای مثبت مثل حساس بودن به دیگران تاکید می شود. برای ایجاد انگیزش باید احساس شایستگی، خودمختاری و عزت نفس را در افراد افزایش داد.

رویکرد شناختی: اندیشه های فرد سرچشمه انگیزش وی هستند. رفتارها توسط هدفها نقشه ها انتظارات و نسبت دادنای فرد ایجاد و هدایت می شوند تاکید بر انگیزش درونی است.

سلسله مراتب نیازها در نظریه مازلو

- نیازهای کمبود یا اساسی:

نیازهای فیزیولوژیکی

نیاز به امنیت

نیاز به عشق و تعلق

نیاز به عزت نفس یا احترام به خود

نیازهای رشد یا فرانیازها:

نیاز به خودشکوفایی یا تحقق خویشتن